

اقدامات، این بخش هم نهایی شده که فرآیندها را به صورت روشن و شفاف مشخص می کند و گام سوم دیجیتال شدن فعالیت ها و برخط کردن سامانه ها به معنای آن است که معاونت هنری با آسیب شناسی خدمات خود در تصحیح آنها گام جدی برداشته است. خدمات انجام شده در این عرصه به دریافت گواهینامه مدیریت سیستم منتج شد که نشان می دهد مسیر طراحی شده نه از روی تکلیف که با باوری برای اصلاح روش ها بوده است.

■ یکی از مسائل جدی عرصه هنر بود چه متناسب با ظرفیت ها و نیروی انسانی در هنر است. با توجه به این مشکل چه راهکارهایی را می توان برای ایجاد زمینه توسعه هنر به کار گرفت؟ در این مدت شما چه اقدام هایی را از نظر بستر سازی قانونی یا برنامه هایی در زمینه توسعه هنر انجام دادید؟

در پرسش گفتید «توسعه»، یعنی بسط، پیشرفت و گسترش، صرف افزایش بودجه به معنای توسعه نیست. با آنکه همواره بودجه و اعتبارات فرهنگ و هنر بسیار محدود و نارسا بوده اما در برخی برهه ها و پاره ای از زمان ها توجهی به عرصه هنر شده که گمان می کنم هزینه آن اعتبارات در جهت تمشیت امور جاری صورت گرفته نه وجوه ماندگار توسعه. به عنوان مثال رشد منابع انسانی در عرصه هنر از نظر شمار افراد و از منظر تسلط مهارت (تکنیکال) در چهل سال گذشته فوق العاده بوده حتی در قیاس با بسیاری از کشورهای توسعه یافته و برای سنجش این موضوع نشانه های فراوان و مستندات متعدد قابل بررسی است. افزایش منابع انسانی خود گواه رشد و فراوانی قابل توجه نهادهای آموزشی است، دانشگاه ها، دانشکده ها و مراکز آموزش عالی هنر و آموزشگاه ها نیز بسیارند اما امکان عرضه هنر بسیار محدود است یا با پراکنش غیر متوازن. متأسفانه هنوز تعدادی از مراکز استان ها سالن های تئاتر یا کنسرت با حداقل تجهیزات که بتوان به تسامح آنها را مناسب خواند، ندارند، همچنین درباره گالری یا موزه. در کنار این مهم نکته دیگری نباید از نظر دور بماند و آن استفاده از ظرفیت های مختلف موجود اعم از صدا و سیما، رسانه های مجازی، آموزش عالی و آموزش و پرورش برای انتقال مفهوم و معنای ضرورت بهره مندی از هنر است. اینکه افراد جامعه برای مواجهه و استفاده از آثار هنری احساس ضرورت کنند به چه ترتیب باید آموخته شود؟ موضوعی که دستگاه های متعددی در آن نقش و تأثیر دارند و به نظر می رسد که توفیق لازم را نداشته ایم. لذا باور دارم نخست باید مسئولان عالی رتبه ظرفیت های هنر را با نگاه کارشناسانه بشناسند و فرصت های موجود در آن را، در خدمت تعالی جامعه به کار گیرند. اگر هنر به عنوان یکی از فرصت ها و ضرورت ها شناخته شد به جای نگاه جاری به آن، برنامه ای توجه می شود و برای توسعه هنر مطالعه می شود و به همین ترتیب بودجه اش از تقاضایی و تمنا بی به اعتباری متناسب و هدفمند تبدیل خواهد شد. در توسعه هنر آنچه در معاونت هنری صورت گرفته بود به بخش قابل تقسیم است. نخست تسهیل و تسریع در خدمات جاری چنانکه گفتم تصحیح و تجمیع فرآیندها، مستند کردن آنها، تسریع در پاسخ ها و در عین حال توجه به کیفیت. یعنی اگر مجوز آموزشی صادر شده به حتم به

توانمندی هنری مسئول آموزشگاه توجه ویژه شده، همچنین برای مدرسان کارت صلاحیت تدریس در رشته های مختلف پیش بینی شده است. و نیز برای فعالیت در سایر عرصه های هنر این نکته را می توان با بررسی میزان تقاضاهای ورودی و پاسخ های ارائه شده ارزیابی کرد. اما در کنار امور جاری و مأموریت های متعدد که وجه توسعه ای هم دارند در معاونت هنری با انجام مطالعات پیمایشی، پیش نویس سند توسعه هنر با رویکرد رونق اقتصادی تهیه شد. این پیش نویس توسط مسئولان در نهادهای دولتی مرتبط با هنر در چند نوبت مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت و برای بررسی بیشتر در اختیار نهادهای بالادستی گذاشته شد. سند توسعه هنر با تکیه بر رونق اقتصادی، مطالعه ای کاربردی است که در آن آمار رسمی مرتبط با هنر در کشور، آمارهای مشابه جهانی، مدل های توسعه، طرح های پیگیری شده و به حاصل رسیده، ظرفیت های قابل توجه داخلی و نقش هنر

## رشد منابع انسانی در عرصه هنر از نظر شمار افراد و از منظر تسلط مهارت (تکنیکال) در چهل سال گذشته فوق العاده بوده حتی در قیاس با بسیاری از کشورهای توسعه یافته و برای سنجش این موضوع نشانه های فراوان و مستندات متعدد قابل بررسی است

در اشتغال و تولید و اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته و می کوشد هنر را به عنوان یک پدیده جدی و نه تفریحی و در حاشیه بشناساند. این سند در صورت تصویب می تواند موجب هماهنگی بیشتر دستگاه های فعال در این حوزه شود.

■ مجموعه ها و مراکز فرهنگی و هنری که چند دهه از فعالیت آنها می گذرد، امروز به نگهداری، نوسازی و مرمت آثار نیاز دارند. برای حفظ و تقویت مجموعه های هنری در این دوره چه اقداماتی انجام شده است؟

موضوع رسیدگی به ابنیه و تجهیزات و نگهداری بهینه در طول زمان موضوع مهمی است اما متأسفانه در دوره های انگشت شماری چنین نگاهی جریان داشته و تا خرابی و مشکل دامگیر نمی شده کمتر کسی خطر امور تعمیرات را پذیرفته است. خوشبختانه با نگاه وزیر محترم و همکاری ویژه و مسئولیت شناسانه معاون توسعه مدیریت و منابع پروژه های متعددی در این دوره کار شده، شاید

بزرگترین و پیچیده ترین پروژه، مرمت و نوسازی موزه هنرهای معاصر تهران باشد. چرا که در عین وجود آثار ارزشمند هنری و استاندارد نگهداری و امنیت می باید مورد مرمت و نوسازی جدی قرار می گرفت و بسیاری از مواضع کاری و ویژگی های بنا چنان است که باید با حفظ همان چارچوب صورت گیرد که پس از اتمام، احساسی در تفاوت شکل موزه در ذهن مخاطبان نباشد. مانند جراحی که با ظرافت موضع جراحی را ترمیم می کند. رفع مشکل رطوبت بسیار زیاد در مخازن و گالری ها، سبک سازی بام ها که در طول سال ها به دفعات و لایه لایه موزاییک و ایزوگام شده بود، نوسازی و مدیریت سیستم های تأسیسات و برق، عایق سازی پنجره ها، استاندارد سازی مخازن در کنار مطالعات هنری بر آثار برای تکمیل بانک اطلاعات آثار و مجموعه ای از اقدامات متنوع به انجام رسید و بیش از ۹۰ درصد پروژه فرجام یافت. سالن اصلی تئاتر شهر هم مطابق طراحی و معماری اصلی نوسازی شد و هم تأسیسات و ماشینری آن با بهره از توان داخلی و شرکت های دانش بنیانی که جوانان کاربلد شکل داده بودند، نو شد. تعمیراتی در تالار وحدت چه در قسمت مخاطبان، نوسازی شد و به روز شدن صدا، مرمت تأسیسات و بخش های سازه ای که بسیار مهم بود، در شرف اتمام است. و نیز تعمیرات جزئی که در بیشتر بناهای متعلق به معاونت در حال انجام است.

■ شعار وزارت فرهنگ در دوره تدبیر و امید با پویایی اقتصاد فرهنگ و هنر شروع شد چقدر در این زمینه موفق بودید؟

پویایی اقتصاد فرهنگ و هنر یک ضرورت بسیار مهم است که سعی کردم در پاسخ به پرسش های پیشین هم به آن بپردازم. اگر به دور از مشکلات پیش آمده در ماه های اخیر از موضع یک کارشناس بی طرف و بر اساس شاخص های روشن تحقق شعار پویایی اقتصاد هنر را ارزیابی کنیم خواهیم دید که تعداد نهادهای خصوصی اعم از مؤسسات چند منظوره، تک منظوره، آموزشگاه ها، نگارخانه ها و تماشاخانه ها به طور قابل توجهی افزایش یافته است. تعداد عرضه ها و اجراهای هنری بسیار بیشتر از نهادهای خصوصی افزایش یافته به طور میانگین بیشتر از بیست و پنج درصد و به همین تناسب میزان گردش مالی و توسعه اقتصادی فعالیت های هنری با افزایش چشمگیری روبه رو بوده، رشدی نزدیک به دو برابر و این رشد برای یک دوره شش - هفت ساله به نظر قابل قبول است و اگر این وضعیت بیماری کرونا به وجود نمی آمد در شش - هفت ماهی که شاهد محدودیت های جدی ارائه آثار هنری بوده ایم باز هم رشد می داشت. وجود دو نکته امانتوانسته است رونق نسبی اقتصاد هنر آنچنان که باید معرفی شود و شیرینی اش را در کام ها استمرار ببخشد، یکی نبود تناسب اعتبارات دولتی برای ایجاد بسترهای لازم در جهت رشد اقتصاد هنر است و دیگر فراوانی نیروهای جوان هنرمند و ظرفیت فعال نشده ای که می تواند فرصت های متعددی ایجاد کند، اعم از اشتغال، امید و نشاط و نشان دادن قوت و کیفیت هنر به عنوان پدیده ای زنده در ایران. مشخصاً با آنچه از اطلاعات و مطالعات اخیر به دست آورده ام باور دارم که منابع انسانی و ویژگی های فرهنگی و فکری در هنر در کشور ما نقشی در خور در آینده داشت و اگر این فرصت